

شماره پرسش: ۳۱۲۹۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۰/۵/۶ ۰۷:۴۸:۳۰

متن پرسش

با سلام: استاد گرامی از گذشته تا کنون عده ای گفته اند که راه سعادت منحصر در پیروی از اهل بیت (ع) است و به احادیثی همچون «کل ما لم یخرج من هذا البیت فهو باطل» استناد می‌کنند. در نتیجه مثلاً از افکار مولوی و ابن عربی نهی می‌کنند. حالا سوال من این است دقیقاً جایگاه متفکران فلسفه و عرفان چیست؟ آیا تعلیمات آنها در طول تعلیمات معصومین است یا اصلاً فضای جداگانه ای است؟ آیا با ابن عربی راه‌هایی را در توحید می‌شود رفت که با امام (ع) نمی‌شود؟ با با مولوی حقایقی را فهمید که در متون دینی وجود ندارد یا گفتار آنها شرح و توضیح معارف شیعه است؟ اگر به سوالات بنده پاسخی دهید یا منبعی معرفی کنید خیلی ممنون می‌شوم چرا که در مراجعه به فلسفه و عرفان همچنان این سوالات برایم حل نشده است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کتاب «روح مجرد» از مرحوم آیت الله حسینی تهرانی در این مورد نکات خوبی دارد زیرا که دین اسلام اتفاقاً ما را دعوت کرده است که به سوی حقیقت برویم حتی اگر در دورترین نقاط زمین باشد. در همین رابطه، صاحب شریعت الهی به مسلمانان توصیه می‌کنند «اطلُّوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»: دانش را بجوئید اگر چه در چین باشد زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. آری! با این همه آن نوع رجوع وقتی ذیل نظر به حضور قدسی ائمه معصومین باشد، برکات خاص خود را دارد و در همین رابطه ملاحظه می‌کنید که چگونه شیعیان بیشتر از اهل سنت به آثار ابن عربی و جناب مولوی رجوع می‌فرمایند. موفق باشید